روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ • ۲۹ شوال ۱۴۴۶ • ۲۸ مارس ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۹۵ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۲ • اذان مغرب ۱۹:۰۸ • اذان صبح فردا ۳:۴۲ • طلوع آفتاب ۵:۱۵

فستیوال «کوچه» شامگاه شنبه ۶ اردیبهشت در سوگ جان‌باختگان انفجار در «اسکله شهید رجایی» بندرعباس، با ویژه‌برنامه‌ای به همین مناسبت برگزار شد. این مراسم به سوگواری و همدلی با خانواده‌های جان‌باختگان و آسیب‌دیدگان انفجار اختصاص یافت و به احترام همدردی با مردم داغدار هرمزگان تصمیم به پایان زودهنگام این فستیوال گرفته شد. عکس: افسانه جعفری، ایرنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

غم بندر کشت ما را

شاهد حلاج نیشابوری

صبح روز ششم اردیبهشت، بیشتر مردم بوشهر با همان حال‌وهوای همیشگی بیدار شدند؛ اما غیربومی‌ها حال و هوای دیگری داشتند و کوچه‌های تنگ و باریک بافت تاریخی، پر از سایه‌روشن‌های دل‌انگیز و نسیمی که بوی دریا را با خودش می‌آورد، انگار انتظار جمعیت را می‌کشید. غیرمحلی‌ها که مشتاق کشف این شهر زنده و پرخاطره بودند، از صبح در کوچه‌های قدیمی پرسه می‌زدند. انگار زمان در این گوشه از شهر کندتر می‌گذشت؛ دیوارهای کاهگلی، پنجره‌های چوبی رنگ‌ورورفته، زیر نور ملایم صبح انگار قصه‌ای قدیمی را زمزمه می‌کردند. گاه صدای یک نوای محلی از دور، همه‌چیز حال‌وهوایی آرام و صمیمی داشت. مأموران پلیس هم مثل بقیه شهر، انگار در حال استراحت بودند، چون اثری از آنها در کوچه‌ها نبود و گردشگران با خیال راحت دوربین به دست، از هر گوشه عکس می‌گرفتند.

ظهر که گذشت حتی گردشگران مشتاق کوچه هم به خانه‌ها و اقامتگاه‌هایشان پناه بردند تا تجدید قوا کنند برای شب و البته فرار از گرمای چهل‌وچند درجه در نیمه‌های بهار که تقریبا هیچ‌کدامشان علی‌رغم انتظار، به آن عادت نداشتند.

هوا که به خنکی رفت، دوباره جمعیت به کوچه و خیابان برگشت، اما این بار با سختی می‌شد وارد کوچه‌های بافت تاریخی شهر بوشهر شد.

مراسم رسمی روز دوم در مدرسه تاریخی سعادت آغاز شد. حیاط پر شده بود از مردمی که منتظر شنیدن شروه، آن نوای سوزناک بوشهری بودند. صدای خواننده، همراه با سنج، دمام و بوق، در فضا پیچید. نور قرمز منورها که تنها رنگ خون را به فضا و تصاویر می‌داد، حال‌وهوایی عمیق و غریب به مراسم بخشیده بود. انگار هر نت و هر ضربه، با آن نور سرخ، از غم و غرور یک تاریخ زنده سخن می‌گفت. لحظه‌ای بود که همه را در خود غرق کرد و از همدردی حاضران کوچه با داغ‌دیدگان بندرعباس خبر می‌داد. لحظه‌ای که انگار همه نفس‌ها حبس شده بود؛ ترکیبی از غم و غرور، از تاریخ و هویت می‌آمد و در هر نت و ضربه‌ای که نواخته می‌شد، جاری بود.

شروه شب دوم فستیوال کوچه به دلیل اتفاقی بود که حوالی ظهر افتاد؛ خبری مثل بمب در شهر پیچید: انفجار در بندر رجایی. شایعه و حقیقت درهم آمیخته بود و کسی دقیق نمی‌دانست چه اتفاقی افتاده است. بااین‌حال، فضای فستیوال هنوز زنده بود، هرچند سایه‌ای از نگرانی روی چهره‌ها افتاده بود. مردم محلی و گردشگران همچنان در کوچه‌ها و کافه‌های کوچک بافت تاریخی گفت‌وگو می‌کردند، اما حس می‌شد چیزی در هوا تغییر کرده.

از وقتی خورشید غروب کرد و هوا تاریک شد، حال‌وهوای شهر به کلی عوض شد. مأموران که تا آن موقع غایب بودند، حالا در ورودی کوچه‌های بافت تاریخی ایستاده بودند. با جدیت و بدون لبخند، اجازه ورود به محدوده کوچه‌های قدیمی را نمی‌دادند. انگار شهر ناگهان به دو بخش تقسیم شده بود: داخل بافت که حالا ممنوعه بود و بیرون از آن، جایی که زندگی هنوز جریان داشت. در خیابان‌های اطراف، گروه‌های کوچک مردم، چه محلی و چه غریبه، به هم می‌رسیدند و برای لحظه‌ای جمع می‌شدند. یکی آوازی زمزمه می‌کرد، مثل شعله‌ای کوچک، گرما می‌بخشید. این لحظه‌های خودجوش، انگار پاسخی بود به سنگینی فضا؛ راهی برای زنده نگه‌داشتن روح فستیوال. با این‌همه، آن شب بوشهر دو چهره داشت؛ یکی خاموش و محافظت‌شده در دل بافت تاریخی و دیگری پرجنب‌وجوش اما پراکنده در حاشیه‌ها. فستیوال کوچه که قرار بود جشنی برای پیوند آدم‌ها و فرهنگ باشد، در روز دومش طعم تلخ و شیرینی از واقعیت را به همه چشاند. شهری که همیشه با مهمان‌نوازی و موسیقی زنده است، آن شب زیر سایه اخبار بندرعباس و حضور مأموران، همچنان نفس می‌کشید اما با ریتمی متفاوت. نور قرمز منورها هم در ذهن همه مانده بود، حتی آنهایی که بوشهر را در شبکه‌های اجتماعی دنبال می‌کردند، انگار نمادی از آن روز پراحساس و پرتناقض بود.

خداحافظی کوچه

صفحه رسمی چهارمین فستیوال کوچه با انتشار متنی از خداحافظی این فستیوال به دلیل انفجار بندرعباس و عزای عمومی خبر داد.

در متن بیانیه این فستیوال آمده است:

«جنوب خونه‌ایه با یه نخل وسطش، یه کُناری گوشه‌ش، به قایق کهنه‌ای کُنجش.
یه اتاقیش اهوازه، یکیش بوشهره، یه بزرگ و پهن و قشنگیش بندرعباسه.
خونه‌ای که یه چیشش گریه‌س، دیگه دست و نی و نای نداره.
کوچه رو به شرق، رو به بندر، زانو بغل می‌گیره و از منتهی‌الیه شادی رو به نهایت غم سکوت می‌کنه.
روزهای دلخوشی ایران رو چشم به راهیم.
از بوشهریا می‌خوایم سنگ تموم بذارن برای چند روز پیش‌رو. برای مهمونایی که تو شهر داریمشون و روی بوشهر موندن حساب کردن.
بوشهریا! بی‌ساز و شَپ و کل، دل مهمونا خوش کنین.
پلیس، دمت گرم. آبروداری کردی سی ما. با دل خوش مردم کنار اومدی.
دم مخالفا گرم. خیلی گرم. دعوای داخل خونه رو به کوچه نکشیدین. شما هم قشنگیِ شهر مدارا هستین. قشنگی بوشهر قشنگ».

آنان در متن بیانیه خود از برگزاری آخرین برنامه در حیاط سعادت در پایان روز یکشنبه خبر دادند و نوشتند: «دور هم جمع می‌شیم و داستان آخر رو می‌خونیم و دست خدا می‌سپاریمتون و رو به روزهایی که خالقش الرحمن الراحمین است، دلخوش به قشنگی ایران، می‌ریم سمت زندگی‌هامون.
با دلتنگی خداحافظی می‌کنیم».

شبکه‌خوانی

عزاداری و همدلی ایران برای بندر

ما مردم عزیزی هستیم. ما مردم همراهی هستیم. این را در هر سوگ و هر مصیبت بار دیگر می‌فهمیم، حتی اگر یادمان رفته باشد. حتی اگر زیر آوار خبرها و نداشتن‌ها گیر کرده باشیم. دیروز ظهر، سازمان انتقال خون بیانیه داد فعلا کسی در استان هرمزگان و بندرعباس نیاز به خون ندارد. به یک عبارت حدود هزارو ۲۰۰ و به عبارت دیگر ۸۰۰ بسته خون به بندرعباس ارسال شد. در هفت استان اعلام نیاز به خون شد. سالن‌های ورزشی تبدیل به مراکز اهدای خون شد. دست‌اندرکاران انتقال خون آماده‌باش بودند و در محل کار حاضر شدند. صف‌های طولانی برای اهدای خون خیلی سریع تشکیل شد؛ از بندرعباس تا تهران. پزشکان وارد میدان شدند. کادر درمان و کادر پزشکی برای رفتن به محل انفجار اعلام آمادگی کردند. کرمانپور نوشت که حتی چند پزشک که آخر ماه بلیت دارند و مراحل مهاجرتشان قطعی شده است، برای رفتن به محل انفجار اعلام آمادگی کرده‌اند. این صف‌های طولانی اهدای خون بار دیگر سندی شد برای عشق‌مان به مردم، به ایران. برای اینکه پیش خودمان سربلند باشیم. برای اینکه نشان دهیم چقدر همدل هستیم؛ اگر بدانیم نیاز هست، اگر بدانیم آن مسئول بالادست قرار نیست سوءاستفاده کند و اگر بدانیم قدمی که برداشته می‌شود برای مردم است و ایران. همه اینها در کمتر از ۲۴ ساعت به خودمان و جهان یادآوری شد.

اما واقعیت این است که این انفجار تبدیل به یکی از تلخ‌ترین اتفاقات این روزها شده است. هر لحظه هم که می‌گذرد ابعادش بیشتر می‌شود. کم‌کم ویدئوهایی منتشر شد از مردمی که جلوی بیمارستان‌ها هستند. البته گفته شده بیش از ۷۹۰ نفر آسیب‌دیده سرپایی مرخص شده‌اند. تعدادی در آی‌سی‌یو هستند و منتظر دعا و کمک‌های پزشکی. هنوز تعداد مفقودان از شش نفر بیشتر نشده است. ویدئوهایی که منتشر شد هرکدام لحظه‌ای از انفجار و آسیب را نشان می‌داد؛ هرچند دوباره آتش و انفجار آغاز شده است.

کارمندان اداره گمرک در پنج‌کیلومتری حادثه اول فکر کردند زلزله است اما موج انفجار آنها را پرت کرد و شیشه‌ها بر سر و صورتشان فرود آمد. کانتینرهای مواد غذایی در حال سوختن هستند، از ماهی تا پای مرغ. گفته شد کانتینرها انگار قرار نیست به‌زودی خاموش شوند؛ چراکه به قول سخنگوی آتش‌نشانی، جنس کانتینرها از فلز است و آب فایده‌ای بر آنها ندارد. باید هرچه درونشان هست بسوزد و آتش بگیرد. تریلی‌ها و ماشین‌های مردم آسیب دیده‌اند، کاپوت یا سقف ماشین‌های سواری تو رفته است؛ البته مردم هنوز با آنها رفت و آمد می‌کنند. اما شاید قسمت تلخ ماجرا بی‌اعتمادی به دلیل انفجار باشد. هرکسی به شکلی در حال حدس‌زدن است. یکی براساس رنگ آتش نظر می‌دهد و دیگری از نحوه انفجار و ادامه آتش‌سوزی. در نهایت سخنگوی وزارت دفاع واکنش نشان داد و تأکید کرد هیچ مواد منفجره نظامی در آن منطقه وجود نداشته است. اما اعتماد به خبرهای رسمی به حداقل رسیده است؛ به‌ویژه که به مردم بندرعباس توصیه شده از خانه بیرون نیایند تا کمتر آسیب ببینند و همه شاهدیم این دود غلیظ هنوز تا آسمان سر به فلک کشیده است.

کوچه‌خوانی

شروه‌خوانی در کوچه و جشنواره

ساعاتی بعد از انفجار در بندر شهید رجایی، برای این غم بزرگ، شروه‌خوانی در فستیوال کوچه برگزار شد. این همان چیزی است که فستیوال کوچه را با دیگر برنامه‌های موسیقی متفاوت می‌کند. با غروب آفتاب و وزیدن نسیم گرم بندر بوشهر، صدای سنج و دمام در فضای مدرسه سعادت، محل برگزاری فستیوال کوچه پیچید و هر ضربه دمام، ضربانی از داغ و دریغ را در دل حاضران نواخت. مردم، دانش‌آموزان، معلمان و چهره‌های فرهنگی بوشهر گرد آمده‌اند؛ چهره‌هایی که در روشنای لرزان شمع‌ها، خیره به آسمان و خاک، سوگوار جان‌های پرکشیده بندرعباس بودند. به گزارش خبرنگار ایرنا در میانه این فضای سرشار از اندوه، ناخدا ستوده برپا ایستاده و شروه‌ای سوزناک می‌خواند؛ شروه‌ای که هر واژه‌اش همچون زخم تازه‌ای بر جان‌ها می‌نشیند. صدای او درهم‌تنیده با کوبش دمام‌ها، روح مجلس را به التهاب می‌انداخت؛ گویی بندر بوشهر نیز هم‌صدا با بندرعباس، زخم حادثه را بر دل گرفته است. مدرسه سعادت که سال‌ها پیش طلایه‌دار آگاهی و فرهنگ بود، با زبان سنج، دمام و شروه، به روایت درد مردم جنوب برخاست. در این آیین، رضا شریفیان، سیدروح‌الله صفوی و حیدر احمدی نیز در سوگ جان‌باختگان حادثه بندر شهید رجایی هرمزگان شروه‌خوانی کردند. این مراسم به سوگواری و همدلی با خانواده‌های جان‌باختگان و آسیب‌دیدگان انفجار اختصاص یافت و ادای احترام به آنها بود. شروه یکی از آوازهایی است که براساس سوگ‌سرودها در مراسم عزا و ماتم بیشتر در مناطق روستایی استان بوشهر رایج بوده و از این‌رو می‌توان آن را از «موسیقی روستایی» به شمار آورد که امروزه یکی از شاخصه‌های موسیقی آوازی استان بوشهر محسوب می‌شود. برای این نغمه اشعار دوبیتی استفاده می‌شود که بیشتر از شاعران دوبیتی‌سرای جنوب هستند.

همچنین برنامه‌های دیگر شب دوم فستیوال کوچه، شب بلوچستان در کشتی گرندفری و حیدو هدایتی در سالن لیان با یک دقیقه سکوت به احترام جان‌باختگان بندر شهید رجایی بندرعباس آغاز شد.

تجزیه و تحلیل نمایش قلندرخونه از آثار ایرج صغیری، کارگردان بنام بوشهری تئاتر، یکی از برنامه‌های شب دوم فستیوال کوچه بود که توسط احسان عبدی‌پور در سالن لیان بوشهر برگزار شد.

نمایش قلندرخونه، تئاتر آیینی فاخر دهه ۵۰ و تنها تئاتری است که پیترو بروک، کارگردان بنام انگلیسی درباره آن مقاله نوشته است و در آن موسیقی، زبان و برخی رسوم و اندیشه‌های زیست‌بومی مردم بوشهر به چشم می‌خورد. شب دوم فستیوال کوچه تحت‌الشعاع انفجار بندر رجایی بود؛ اما این فقط در مورد فستیوال کوچه نبود، هنرمندانی که از سراسر ایران برای برگزاری هفدهمین دوره جشنواره موسیقی نواحی ایران به بندرعباس رفتند نیز همدردی خود را نشان دادند. کمتر از یک ساعت بعد از انفجار، هنرمندان موسیقی هم برای تغییر برنامه‌ها اعلام آمادگی کردند و هم برای اهدای خون و همیاری با آسیب‌دیدگان. دیروز اعلام شد حدود ۲۵ نفر در انفجار کشته شده‌اند، اما هر لحظه که ابعاد این انفجار مشخص‌تر می‌شود، تعداد کشته‌شدگان نیز بیشتر می‌شود و بر تعداد ۷۰۰ آسیب‌دیده این انفجار هم اضافه می‌شود. با تغییر برنامه فستیوال کوچه و جشنواره موسیقی نواحی، شاید مخالفان باور کنند که همه ما بخشی از ایران هستیم، همه ما هم‌درد یکدیگر هستیم و همه ما دل‌مان برای ایران‌مان می‌سوزد.

دیدن تصاویر شروه‌زنی فستیوال کوچه و همین‌طور جشنواره موسیقی نواحی که در حال برگزاری است، دیدن زخمه‌هایی که بر ساز می‌زنند و اشک‌ها و دسته‌های سینه‌زنی، همه نشان از عزاداری مردم دارد. چه آن جمعیت که هرکدام به طریقی از گوشه‌ای از ایران آمده‌اند و چه هنرمندانی که از روستاها و شهرهای دور و نزدیک آمده‌اند، همه از دیروز عزادارند. سازها بر مرگ عزیزان نواخته می‌شوند و دسته‌های سینه‌زنی در گوشه و کنار شکل گرفته و اشک و آه حاضران که بند نمی‌آمد. همه این صحنه‌ها و لحظه‌ها نشان می‌دهد ایران عزادار است.

سوگ‌خوانی

همدردی هنرمندان و سینماگران

همزمان با انفجار بندر شهید رجایی در بندرعباس، هنرمندان و اهالی فرهنگ به همدردی با اهالی بندرعباس و ایران پرداختند. هرچند دیروز ظهر عزای عمومی در کشور اعلام شد، اما اهالی فرهنگ از همان لحظات اولیه همراه اهالی بندر و مردم دریا شدند. اولین نفری که با انتشار پوستری در این زمینه تسلیت گفت، محسن چاوشی بود. پس از آن جمعی از اهالی موسیقی از رضا صادقی و... هرکدام جداگانه با انتشار فیلم یا عکسی این حادثه تلخ و ناگهانی را تسلیت گفتند. تهمورس پورناظری آهنگ‌ساز و نوازنده تنبور نیز نوشت: چه کنیم با این همه درد که بر جان مادرمان نشسته است. همچنین اهالی فوتبال ازجمله حامد لک، احمدرضا عابدزاده و علی دایی نیز در این تسلیت و همدردی شریک شدند. در ساعات گذشته، سینماگران نیز به همدردی با مردم پرداخته‌اند و پوستر بندرعباس تسلیت را به نشانه همدردی منتشر کرده‌اند. به گزارش ایرنا، حسن فتحی، مهدی سلطانی، صابر ابر، الناز شاکردوست، ستاره اسکندری، گوهر خیراندیش، حبیب رضایی، شهره سلطانی، پوریا پورسرخ، مهران غفوریان، نیکی کریمی، هومن سیدی، پیمان معادی، پریناز ایزدیار، محسن تنابنده، هدی زین‌العابدین و فریبا نادری ازجمله هنرمندانی هستند که در فضای مجازی این حادثه را تسلیت گفته و با خانواده‌های عزادار همدردی کرده‌اند. برخی از هنرمندان درخواست کرده‌اند با اهدای خون به یاری مصدومان حادثه بشتابند. پوریا پورسرخ به نکته مهمی اشاره کرده و نوشته است همیشه اولین فریاد و اولین اشک برای کارگران است. پرویز پرستویی هم فیلمی از آتش و دود در بندر را منتشر کرده است. امیرحسین سمیعی، سهراب پورناظری، حمید بهروزی‌نیا، عیسی بلوچ، علی قمصری آهنگ‌ساز و نوازنده تار، بهزاد عبدی، امین غفاری نوازنده ویولن و رهبر ارکستر، علی جعفری‌پویان، محمد و علی سعیدی، گرشا رضایی، محسن یگانه، سهراب پاکزاد، سیروان خسروی، شروین حاجی‌پور، حامد برادران، بابک جهانبخش، مجید رضوی، احسان یاسین، میلاد ماهان‌راد، رومینا تنی و نیوشا بریمانی از دیگر اهالی موسیقی بودند که با پیام‌هایی وقوع آتش‌سوزی در بندرعباس را تسلیت گفتند.